

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





دانشگاه امام صادق (ع)

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره دکتری الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

# پژوهشی تطبیقی بین صحیح بخاری و الکافی

جمال فرزند وحی

استاد راهنما:

دکتر مجید معارف و دکتر کامران ایزدی

زمستان ۱۳۸۷





دانشگاه امام صادق (ع)

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره دکتری الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

# پژوهشی تطبیقی بین صحیح بخاری و الکافی

جمال فرزندوحی

استاد راهنما:

دکتر مجید معارف و دکتر کامران ایزدی

استاد مشاور:

دکتر احمد نعمتی و حجه الاسلام حسین غیب غلامی

زمستان ۱۳۸۷



کلیه حقوق اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری،  
ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه برای دانشگاه  
امام صادق (ع) محفوظ است. نقل مطالب با ذکر  
مأخذ بلامانع است.





تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

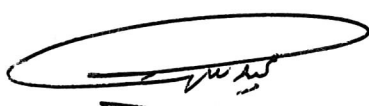
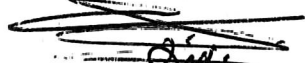







اعضای هیات داوران نسخه نهایی رساله : جمال فرزند وحی  
تحت عنوان : " پژوهشی تطبیقی بین صحیح بخاری و کافی کلینی "

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند

محل امضاء

رتبه علمی

اعضای هیات داوران نام و نام خانوادگی

	استاد	معارف	(۱) استاد راهنما : دکتر مجید
	دانشیار	ایزدی	(۲) استاد راهنما : دکتر کامران
	استادیار	غیب غلامی	(۲) استاد مشاور : حجت الاسلام حسین
	استادیار	نعمتی	(۳) استاد مشاور : دکتر احمد
	استادیار		(۴) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده : دکتر حسین هوشنگی اساتید ناظر :
۱۷ / ۱۰ / ۱۰ 	استادیار	مهریزی طرقی	(۱) حجت الاسلام مهدی
	دانشیار	غروی	(۲) دکتر نهله
	استادیار	پاکتچی	(۳) دکتر احمد
	استادیار	تقویان	(۴) دکتر عباس



## چکیده

این رساله درصدد است که کتابهای صحیح بخاری و الکافی را از جنبه های متفاوتی معرفی نموده و درمقام مقایسه، نقاط ضعف و قوت آنها را به خوانندگان معرفی نماید. کتاب صحیح بخاری در بین اهل سنت جایگاه رفیعی دارد و پس از قرآن کریم صحیحترین منبع دینی شناخته شده است. ازسوی دیگر معتبرترین کتاب حدیثی در بین امامیه جامع الکافی است و مورد توجه عموم علماء امامیه می باشد.

این پایان نامه مشتمل بر سه فصل است: در فصل اول به مفهوم حدیث و چیستی آن، حدیث امامیه تا عصر کلینی و حدیث اهل سنت تا عصر بخاری می پردازد. در فصل دوم به زندگانی کلینی و بخاری و کتابهای الکافی و صحیح بخاری به طور جداگانه، اشاره می شود. در بررسی زندگی کلینی و بخاری عناوین مشترکی چون شرایط تاریخی، سیاسی و مذهبی عصر و مؤلف، مشایخ و اهداف آن دو، بحث می شود. و در مطالعه هر یک از این دو کتاب مباحث یکسانی چون نظام طبقه بندی، جایگاه آنها در بین علماء و عناوینی چون تکرار و تعلیق روایات، مورد توجه قرار گرفته است.

فصل سوم که موضوع اصلی این پایان نامه را تشکیل می دهد؛ به مقایسه تطبیقی دو کتاب از جنبه های

ذیل می پردازد:

الف- ملاکهای گزینش

ب- بررسی اعتبار روایات

ج- معناداری نظام رده بندی

د- منابع و مأخذ

کلیدواژه ها

الکافی، صحیح بخاری، ملاکهای گزینش، اعتبار روایات، رده بندی.



العنوان : دراسة مقارنة بين كتابي الكافي و صحيح البخاري

الباحث : جمال فرزند وحي

الاستاذ المشرفان : الدكتور مجيد معارف و الدكتور كامران يزدي مباركة

الاستاذ المساعدان : الدكتور أحمد نعمتي و الشيخ حسين غيب غلامي

الفرع الدراسي : علوم القرآن و الحديث

المستوى : دكتوراه

### الخلاصة :

تحاول هذه الرسالة تسليط الضوء على كتابي الكافي و صحيح البخاري من عدة جوانب و تقديم مواطن الضعف و القوة للقارئ . يحظى صحيح البخاري بمكانة شامخة لدى أهل السنة حيث يأتي في المرتبة الثانية بعد القرآن الكريم . و في المقابل يحظى الكافي بأهمية بالغة لدى علماء الإمامية عامة .

تحتوي هذه الدراسة ثلاثة فصول : يتطرق الفصل الأول إلى مفهوم الحديث وماهيته إلى عهد الكافي لدى الإمامية ، و إلى عهد البخاري لدى أهل السنة . ويتناول الفصل الثاني حياة كل من الكليني و البخاري و آثارهما على حده، حيث نركز الدراسة على عناوين مشتركة لدى المؤلفين مثل الظروف التاريخية ، السياسية و الدينية ، مشايخهما و هدفهما من هذه المحاولة . يعتمد الباحث في دراسته على محاور ثابتة في الكتابين مثل : نظام التصنيف ، مكانتهما لدى العلماء ، و بعض المفاهيم كالتكرار و تعليق الروايات . وفي الفصل الثالث و الذي يعتبر العمدة في هذه الدراسة نقوم بدراسة مقارنة بين الكتابين من الجوانب التالية:

أسباب الاختيار

دراسه وثاقه الروايات

مفهوم نظام التصنيف

مصادر الكتابين

المصطلحات و الكلمات الأساسية: الكافي، الكليني، البخاري، الصحيح، المشايخ، نظام التصنيف، وثاقه الروايات، اختيار الروايات.

باسمہ تعالیٰ  
قابل قبول است  
انظر على  
19



تقدیم به همسر

که بامهربانی، صبر و متانت

نهایت همکاری را در انجام این رساله مبذول داشتند.





## سپاس و قدردانی

پس از ادای سپاس به درگاه الهی، به حکم «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از تمامی کسانی که در تدوین این رساله و در طی این مقطع تحصیلی به گونه ای بنده را رهین منت خویش قرار داده اند؛ تشکر می کنم.

نخست بر خود لازم می دانم از پیشگاه محترم اساتید جلیل و گران قدر آقایان دکتر معارف و دکتر ایزدی مبارکه که همواره مشوق این جانب بوده اند و در تدوین این رساله، ارشاد و بزرگواری را به حد کمال معمول داشته و بانگته سنجی های هوشمندانه و راهنمایی های عالمانه، نگارنده را مرهون و ممنون محبت خویش ساخته اند؛ سپاس گزاری نمایم. و موفقیت ایشان را از یزد منان خواستارم.

از اساتید بزرگوار آقایان دکتر نعمتی و حجه الاسلام غیب غلامی نیز که با مشاوره های سودمند، زمینه نگارش این رساله را تهیه نمودند؛ قدردانی می نمایم. و برای آنها از حضرت حق توفیق روز افزون خواهانم. در پایان از آقایان دکتر پاکتچی و دکتر مهریزی و خانم دکتر غروی که داوری پایان نامه اینجانب را بر عهده گرفتند؛ سپاس گزاری می نمایم.



## فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	۱.....
فصل اول: کلیات.....	۶.....
۱-۱- حدیث و چیستی آن.....	۷.....
۱-۱-۱- حدیث در لغت.....	۷.....
۱-۱-۲- حدیث در اصطلاح.....	۷.....
۱-۱-۳- اهمیت و جایگاه حدیث.....	۸.....
۱-۱-۴- جامعیت و حجیت حدیث.....	۹.....
۲-۱- گذری بر تاریخ تدوین حدیث امامیه.....	۱۱.....
۱-۲-۱- اهتمام اهل بیت (ع) به حدیث.....	۱۱.....
۲-۲-۱- دوران محدثان متقدم.....	۱۹.....
۱-۲-۳- حوزه های حدیثی شیعه.....	۲۰.....
۳-۱- گذری بر تاریخ تدوین حدیث اهل سنت.....	۲۱.....
فصل دوم: بررسی صحیح بخاری و الکافی.....	۲۷.....
۱-۲- بخاری و کتاب الجامع الصحیح.....	۲۸.....
۱-۱-۲- نگاهی گذرا به زندگی بخاری.....	۲۸.....
۲-۱-۱-۲- کودکی و نوجوانی بخاری.....	۲۹.....
۲-۱-۱-۲- سفرهای علمی.....	۳۱.....
۲-۱-۱-۲- دیدگاه های اعتقادی، فقهی و اخلاقی بخاری.....	۳۲.....
۲-۱-۲- اساتید و مشایخ بخاری.....	۳۵.....
۳-۱-۲- شرایط تاریخی، سیاسی و مذهبی عصر بخاری.....	۳۹.....
۲-۱-۳-۱-۲- بخارا.....	۳۹.....
۲-۳-۱-۲- مذاهب و فرق در عصر بخاری.....	۴۴.....



- ۴۴.....۱-۲-۳-۱-۲-شيعه.....
- ۴۶.....۲-۲-۳-۱-۲-معتزله.....
- ۴۷.....۳-۲-۳-۱-۲-جهميه.....
- ۴۸.....۴-۲-۳-۱-۲-حنفيه.....
- ۵۰.....۴-۱-۲-مطالعه اهداف بخاری در تألیف صحيح.....
- ۵۱.....۱-۴-۱-۲-دیدگاه چندتن از عالمان حدیث درباره انگیزه بخاری.....
- ۵۱.....۵-۱-۲-نگاهی به طبقه بندی عناوین کتب و ابواب صحيح بخاری.....
- ۵۲.....۱-۵-۱-۲-عناوین ظاهر.....
- ۵۵.....۲-۵-۱-۲-عناوین مخفی وقابل استنباط.....
- ۵۹.....۶-۱-۲-جایگاه صحيح بخاری نزد اهل سنت.....
- ۵۹.....۱-۶-۱-۲-دیدگاه موافقان.....
- ۶۳.....۲-۶-۱-۲-دیدگاه منتقدان.....
- ۶۶.....۷-۱-۲-مروری کوتاه بر سند و متن روایات صحيح بخاری.....
- ۶۶.....۱-۷-۱-۲-تکرار احادیث در صحيح بخاری.....
- ۶۷.....۱-۱-۷-۱-۲-علل تکرار احادیث در صحيح بخاری.....
- ۶۹.....۲-۷-۱-۲-احادیث معلق در صحيح بخاری.....
- ۶۹.....۱-۲-۷-۱-۲-انواع حدیث معلق در صحيح بخاری.....
- ۷۵.....۲-۲-کلینی والکافی.....
- ۷۵.....۱-۲-۲-نگاهی گذرا به زندگی کلینی.....
- ۷۸.....۲-۲-۲-اساتید و مشایخ کلینی.....
- ۷۹.....۱-۲-۲-۲-علی بن ابراهیم بن هاشم.....
- ۸۰.....۲-۲-۲-۲-محمد بن یحیی عطار.....
- ۸۰.....۳-۲-۲-۲-احمد بن ادريس.....
- ۸۱.....۴-۲-۲-۲-حسین بن محمد بن عمران.....



- ۳-۲-۲-شرایط تاریخی، سیاسی و مذهبی عصر کلینی..... ۸۴
- ۱-۳-۲-۲-سابقه تاریخی ری..... ۸۴
- ۲-۳-۲-۲-حکام ری بین سالهای ۲۵۶ تا ۳۲۳..... ۸۵
- ۳-۳-۲-۲-حیات فکری در ری..... ۸۷
- ۱-۳-۳-۲-۲-برخی از افراد شاخص این حرکت..... ۸۷
- ۲-۳-۳-۲-۲-ری بین مکاتب عقل گرا و نقل گرا..... ۸۸
- ۳-۳-۳-۲-۲-مذاهب و فرقه های فکری در ری..... ۸۹
- ۱-۳-۳-۳-۲-۲-اهل سنت..... ۸۹
- ۲-۳-۳-۳-۲-۲-شیعه..... ۸۹
- ۳-۳-۳-۳-۲-۲-معتزله..... ۹۰
- ۴-۳-۳-۳-۲-۲-دیگر فرقه های کلامی..... ۹۱
- ۲-۳-۲-۲-بغداد..... ۹۲
- ۳-۳-۲-۲-قم..... ۹۳
- ۴-۲-۲-انگیزه کلینی در تالیف الکافی..... ۹۴
- ۵-۲-۲-نظام طبقه بندی الکافی..... ۹۸
- ۱-۵-۲-۲-بخشهای اصول، فروع و روضه الکافی..... ۹۹
- ۲-۵-۲-۲-نگاهی به عناوین و تعداد کتب الکافی..... ۱۰۲
- ۳-۵-۲-۲-وجود ابوابی به نام نوادر..... ۱۰۴
- ۶-۲-۲-جایگاه الکافی نزد امامیه..... ۱۰۵
- ۱-۶-۲-۲-دیدگاه های علماء درباره کتب اربعه..... ۱۰۷
- ۲-۶-۲-۲-آراء اندیشمندان امامیه در مورد الکافی..... ۱۰۹
- ۷-۲-۲-بررسی سند و متن روایات الکافی..... ۱۲۱
- ۱-۷-۲-۲-مباحثی در ارتباط با سند روایات..... ۱۲۲
- ۱-۱-۷-۲-۲-بررسی مصادیق عده کلینی در «عده من اصحابنا»..... ۱۲۲





- ۱۲۸ ..... ۲-۲-۷-۱-۲- تعلیق در سند پاره ای از روایات
- ۱۲۹ ..... ۲-۲-۷-۱-۳- احادیث مسلسل
- ۱۲۹ ..... ۲-۲-۷-۱-۴- اشاره به نام کلینی و شاگردش در سند احادیث
- ۱۳۰ ..... ۲-۲-۷-۱-۵- حدیث مضممر
- ۱۳۱ ..... ۲-۲-۷-۲- نگاهی کوتاه به متن روایات
- ۱۳۱ ..... ۲-۲-۷-۱-۱- رابطه متن احادیث با آیات
- ۱۳۴ ..... ۲-۲-۷-۲- دنباله های روایات
- ۱۳۷ ..... ۲-۲-۷-۳- افزودن جملاتی به احادیث
- ۱۳۸ ..... ۲-۲-۷-۴- اقتباس و نقل از کتب
- ۱۴۳ ..... فصل سوم: مقایسه صحیح بخاری و الکافی
- ۱۴۴ ..... ۳-۱- ملاکهای گزینش روایات
- ۱۴۴ ..... ۳-۱-۱- ملاکهای گزینش در صحیح بخاری
- ۱۴۷ ..... ۳-۱-۱-۱- ارسال در روایات
- ۱۴۹ ..... ۳-۱-۱-۲- وجود احادیث معنعن در صحیح بخاری
- ۱۵۳ ..... ۳-۱-۱-۳- وجود احادیث منقطع در صحیح بخاری
- ۱۵۵ ..... ۳-۱-۱-۴- وجود احادیث مدلس در صحیح بخاری
- ۱۵۹ ..... ۳-۱-۱-۵- راویان ضعیف در اسناد برخی از روایات صحیح بخاری
- ۱۶۴ ..... ۳-۱-۱-۶- راویان مبتدع در صحیح بخاری
- ۱۶۶ ..... ۳-۱-۱-۶- قدریه
- ۱۶۸ ..... ۳-۱-۱-۶- مرجئه
- ۱۶۸ ..... ۳-۱-۱-۶- خوارج
- ۱۷۰ ..... ۳-۱-۱-۶- نواصب
- ۱۷۱ ..... ۳-۱-۱-۶- جهمیه
- ۱۷۱ ..... ۳-۱-۱-۶- شیعه







- ۲۲۷.....۱-۴-۲-۳-۲-۳ نذر به اعتکاف.....
- ۲۲۸.....۲-۴-۲-۳-۲-۳ صحیفه امام علی (ع).....
- ۲۳۱.....۵-۲-۳-۲-۳ نقل به معنی در الکافی.....
- ۲۳۴.....۳-۳-۲-۳ ادراج حدیث.....
- ۲۳۵.....۱-۳-۳-۲-۳ نمونه هایی از احادیث مدرج در الکافی.....
- ۲۳۷.....۲-۳-۳-۲-۳ نمونه هایی از احادیث مدرج در صحیح بخاری.....
- ۲۳۹.....۴-۳-۲-۳ تصحیفات محدثین.....
- ۲۴۰.....۱-۴-۳-۲-۳ احادیث مصحف در الکافی.....
- ۲۴۱.....۲-۴-۳-۲-۳ احادیث مصحف در صحیح بخاری.....
- ۲۴۲.....۵-۳-۲-۳ تعارض با کتاب الله، سنت رسول الله (ص) و عقل.....
- ۲۴۳.....۱-۵-۳-۲-۳ ارزیابی روایات صحیح بخاری.....
- ۲۴۳.....۱-۱-۵-۳-۲-۳ توحید در صحیح بخاری.....
- ۲۴۵.....۲-۱-۵-۳-۲-۳ نبوت در صحیح بخاری.....
- ۲۵۰.....۳-۱-۵-۳-۲-۳ دیدگاه بخاری درباره ی زنان.....
- ۲۵۲.....۴-۱-۵-۳-۲-۳ تحریف قرآن کریم.....
- ۲۵۴.....۲-۵-۳-۲-۳ ارزیابی روایات الکافی.....
- ۲۵۴.....۱-۲-۵-۳-۲-۳ توحید در الکافی.....
- ۲۵۷.....۲-۲-۵-۳-۲-۳ سیمای پیامبر گرامی (ص) در الکافی.....
- ۲۵۹.....۳-۲-۵-۳-۲-۳ تحریف قرآن در الکافی.....
- ۲۶۱.....۴-۲-۵-۳-۲-۳ احادیثی در ارتباط با علوم تجربی.....
- ۲۶۳.....۶-۳-۲-۳ احادیث مزید.....
- ۲۶۴.....۱-۶-۳-۲-۳ حکم حدیث مزید.....
- ۲۶۵.....۲-۶-۳-۲-۳ احادیث مزید در الکافی.....
- ۲۶۶.....۳-۶-۳-۲-۳ احادیث مزید در صحیح بخاری.....









۳۱۶.....۳-۴-۲-۲-مصنفات وجوامع

۳۲۱.....۳-۴-۲-۳-مسانید

۳۲۴.....۳-۴-۲-۴-مغازی وسیر

۳۲۷.....۳-۴-۲-۵-کتب تفسیر

۳۲۸.....۳-۴-۲-۶-کتب اجزاء

۳۳۳.....نتیجه گیری

۳۳۶.....فهرست منابع



## مقدمه

مجموعه های روایی موجود در جهان اسلام نظیر جوامع حدیثی امامیه و اهل سنت به دلیل اشمال بر احادیث سره و ناسره نیازمند نقد و نظر بوده و نقد آنها همّت و حوصله ای درخور میراث معنوی پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع) و اصحاب آن حضرت می طلبد. از رهگذر این بررسیهاست که می توان به هدایت های ایشان دست یافت.

در میان جوامع حدیثی اهل سنت کتابی که شهرت و اعتبار فراوانی دارد و عالمان اهل سنت آن را پس از قرآن کریم بهترین منبع و متن دینی شناخته اند؛ صحیح بخاری است. گرچه کتاب یاد شده درخور تحلیل و تحقیق است؛ اما تاکنون پژوهشگرانی محدود، جرات و توان نقد آن را بدست آورده اند. نوشتار حاضر می کوشد تا با بهره گیری مطلوب از صحیح بخاری در راه پالایش فکری و احیای سنت رسول گرامی اسلام (ص) خدمتی نماید.

کتاب صحیح بخاری جامع بین روایات اعتقادی، تاریخی، اخلاقی، فقهی، تفسیری... است. و در قالب بابهای منظمی جمع آوری شده است. این موضوع علاوه بر بررسی ابواب کتاب از نام آن نیز فهمیده می شود. بخاری پس از تالیف کتاب آن را به «الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله و سننه و ایامه» نام گذاری کرد.<sup>۱</sup>

از نکات قابل مطالعه در صحیح بخاری انگیزه مؤلف آن است. ابن حجر می گوید: «چون بخاری مصنفات و مسانید را ملاحظه کرد؛ پس از مدتی بررسی به این نتیجه رسید که احادیث صحیح و غیر صحیح در آنها با یکدیگر مخلوط شده و در کنار هم قرار گرفته است؛ بطوری که تشخیص صحیح و غیر صحیح برای هر کسی امکان پذیر نیست؛ از این رو تصمیم گرفت که از بین هزاران حدیث، احادیث صحیح را جدا سازد».<sup>۲</sup>

در مورد منابع بخاری در تدوین صحیح خود باید گفت: او مدارک زیادی از تصنیفات حدیثی را در اختیار داشته و از آنها در تدوین کتاب خود استفاده کرده است.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر حدیث اهل بیت گسترده ترین منبع برای شناخت معارف دینی است. و از ابتدای قرن اول

۱- مجید معارف، جوامع حدیثی اهل سنت (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۸۳ ش)، ص ۷۱.

۲- ابن حجر عسقلانی، هدی الساری (بیروت: دار المعرفه، ۱۳۰۱ ق)، ص ۴-۵.

۳- معارف، پیشین، ص ۷۸.

هجری گامهایی در تدوین آن برداشته شد و کتبی نیز تألیف گردید. ولی حضور آن آثار، دانشمندان را از مراجعه به اصول اولیه بی نیاز نساخت. لکن مرحوم کلینی (م ۳۲۸ یا ۳۲۹) با تألیف کتاب الکافی دانشمندان را از مراجعه به آن کتب بی نیاز ساخت. کتاب شریف الکافی تألیف ابوجعفر کلینی به عنوان یکی از مهمترین کتب حدیثی امامیه است که به دلیل وثاقت مؤلف آن، قوت کتاب و نزدیکی به زمان حضور امام معصوم (ع) مورد توجه علماء قرار گرفته و محل اعتماد محدثان در تدوین و نگارش کتب حدیثی بعد از مرحوم کلینی تاکنون بوده است.

کلینی نخستین عالم شیعی است که به جمع آوری، تنظیم و تبویب موضوعی احادیث اهل بیت (ع) در یک مجموعه با این وسعت و دقت، اقدام نموده است. توجه به موضوعات کلامی، فقهی، اخلاقی، تاریخی... در الکافی بیانگر دقت کلینی و صرف وقت بسیار برای گردآوری و تدوین احادیث اهل بیت (ع) و تحویل این امانت گرانبمایه به نسلهای آتی است.

از انگیزه های کلینی در تألیف الکافی کثرت روایات متعارض در آن دوره بوده است. او در تمیز روایات صحیح از غیر صحیح معیارهایی را به کار گرفت. بکارگیری این معیارها تعدادی از روایات صحیح را مشخص نمود. لذا وی در شناخت روایات صحیح به معیار دیگری که عبارت از «تسلیم و رضا» است؛ روی آورد. به این معنی که در برخورد با دو روایت متعارض که هر دو از نظر سند و سایر قرائن صحیح می باشند؛ از باب تسلیم در مقابل فرامین خداوندی عمل به یکی را اختیار نموده و از عمل به دیگری خودداری ورزد.<sup>۱</sup>

از نکات قابل توجه در مطالعه الکافی مآخذ کلینی است. مرحوم کلینی در تألیف جامع روایی خویش از بسیاری از اصول و مصنفات حدیثی بطور مستقیم استفاده کرده است. گرچه صدرسند معمولاً با نام مشایخ او پیوند خورده است. کلینی کوشید با استفاده از بقایای کتب اصحاب ائمه (ع) و جوامع حدیثی قبل از خود مجموعه ای کامل و ارزشمند در رشته حدیث تصنیف نموده و آن را به دانش پژوهان و دوستان فقه و حدیث اهل بیت تقدیم نماید.

از آنچه گذشت بدست می آید که این دو کتاب از مهمترین جوامع حدیثی فریقین هستند. لذا مطالعه هر یک از این دو مدارا سیر تدوین حدیث در قرون نخست اسلامی در بین فریقین بهتر آشنا می کند. از سوی دیگر با مقایسه دو کتاب و بیان تفاوتهای معنادار و مشهود دو کتاب، می توان به مسیرهای متفاوتی که هر یک از دو مؤلف

۱- معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه (تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴)، ص ۴۷۳.

## بیان سوالهای تحقیق

- ۱- بخاری و کلینی در تدوین جوامع حدیثی خود چه انگیزه ها و اهدافی داشته اند؟
- ۲- ملاکهای اعتبار حدیث نزد بخاری و کلینی در تدوین جوامع حدیثی شان چه بوده است؟
- ۳- نظام طبقه بندی روایات در دو کتاب بر چه اصولی مبتنی است؟
- ۴- چه توضیحی برای اختلاف کمی این دو جامع حدیثی وجود دارد؟
- ۵- منابع نخستین دو جامع حدیثی چه بوده است؟

## فرضیه ها

- ۱- بخاری و کلینی در تدوین جوامع حدیثی سعی بر ارائه تصویری همه جانبه از دین اسلام بر مبنای احادیث معتبر نزد خود و اصحاب حدیث داشته اند.
- ۲- کلینی بر مبنای روش محدثان متقدم امامیه در احراز صدور حدیث از معصوم (ع) به ویژگیهای متنی روایات از جمله مطابقت محتوی حدیث با قرآن، سنت اجماعی و سیره معصومان توجه کرده است. در حالی که بخاری به طور عمده به ارزیابی خود از اتصال سند و وثاقت رجال اعتماد نموده است. اختلاف کیفی دو کتاب از نظر تحمل حدیث نیز به همین اختلاف در مبانی باز می گردد.
- ۳- مهمترین اصل مشترک هر دو کتاب در نظام طبقه بندی روایات فقهی، ابواب مشهور و نظام مند فقهی و در روایات غیر فقهی از جمله اعتقادی، اخلاقی و تاریخی متناسب با مقتضیات و چالشهای عصر خود بوده است.
- ۴- کثرت احادیث الکافی در مقایسه با بخاری ناشی از نسبت کمی میان احادیث نبوی و احادیث ائمه معصومین (ع) است .

- ۵- منابع کلینی بطور عمده: اصول و مصنفات اصحاب ائمه (ع) و مجموعه های حدیثی پیش از خود همچون محاسن برقی و نوادراحمد بن محمد بن یحیی بوده است. بخاری نیز بطور عمده از منابع مکتوب پیش از خود اعم از مسانید، اجزاء و مصنفات بهره جسته است.

## پیشینه موضوع در آثار محققان

علمای اسلامی برای ثبت، ضبط، گردآوری، ترجمه و شرح احادیث و نیز تدوین علوم مختلف حدیثی

تلاشهای فراوانی نموده اند؛ اما به این موضوع -تطبیق و مقایسه بین کتب حدیثی فریقین- کمتر توجه کرده اند. در خصوص مطالعه جداگانه زندگانی کلینی و بخاری و کتابهای الکافی و صحیح بخاری منابع زیادی تألیف شده که اهم آنها به قرار زیر است:

### الف- کلینی و الکافی

وسائل الشیعه: شیخ حر عاملی

مستدرک الوسائل: میرزا حسین نوری

الشیخ کلینی البغدادی و کتاب الکافی: ثامر هاشم حبیب

الکلینی و الکافی: عبدالرسول الغفار

### ب- بخاری و صحیح بخاری

هدی الساری: ابن حجر عسقلانی

الامام البخاری: نزار بن عبدالکریم حمدانی

الامام البخاری و صحیحہ: غیب غلامی

سیره الامام البخاری: عبدالسلام المبارکفوری

منہج الامام البخاری: ابوبکر کافی

در عین حال تنها منبعی که بطور خاص به تطبیق و مقایسه «الکافی و صحیح بخاری» پرداخته

است؛ کتاب «دراسات فی الحدیث والمحدثین» نوشته آقای سید هاشم معروف حسنی می باشد.

### ضرورت انجام تحقیق

مطالعه این دو کتاب که از جوامع حدیثی فریقین هستند:

اولاً: سیر تدوین حدیث را نزد امامیه و اهل سنت بخوبی نشان می دهد.

ثانیاً: ملاکهای صحت و اعتبار حدیث را نزد فریقین بطور عینی آشکار می کند.

ثالثاً: مقایسه آن دو، اختلاف مسیری را که تدوین حدیث پیموده است؛ روشن می کند.

رابعاً: گرچه اختلافهای مبنایی بین دو کتاب وجود دارد؛ اما این گونه نیست که نقاط مشترکی بین آنها

وجود نداشته باشد. لذا توجه به این نقاط، عامل وحدتی بین مذاهب اسلامی است که کمتر به آن توجه شده است.

### هدف ها

شناسایی تطبیقی هر دو جامع حدیثی باتوجه به

۱- بررسی ملاکها و انگیزه های تدوین دو جامع حدیثی

۲- شناخت میزان مشترکات روایی دو جامع

۳- شناخت و تحلیل نظام تدوین ورده بندی روایات دو جامع

۴- ارائه یک الگوی عملی در زمینه مطالعات تطبیقی جوامع حدیثی

۵- قابل دسترسی کردن دو کتاب برای هر یک از فریقین

### روش انجام تحقیق

روش انجام این تحقیق، تحلیلی-مقایسه ای خواهد بود.

### روش و ابزار گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای است. در مطالعات کتابخانه ای موضوعات مورد مطالعه در دسترس محقق قرار ندارد و غالباً به گذشته دور یا نزدیک مربوط می شود. به همین دلیل اصطلاح مطالعات کتابخانه ای مترادف با مطالعات تاریخی به کار می رود.

### ارکان پایان نامه

این پایان نامه مشتمل بر سه فصل است. در فصل اول کلیاتی در باره حدیث و در فصل دوم مطالعه تفکیکی دو کتاب و در فصل سوم بررسی تطبیقی صحیح بخاری و الکافی ارائه می شود. هدف از این فصل داوری-در حد امکان- و ارائه نقاط قوت و ضعف هر دو کتاب به پژوهشگران حدیث می باشد. امید است که مفید واقع شود. این مقایسه از جنبه های زیر صورت می گیرد:

الف- ملاکهای تدوین

ب- ملاکهای اعتبار حدیث

ج- نظام طبقه بندی

د- منابع

# فصل اول

## کلیات



## ۱-۱-۱- حدیث و چیستی آن

### ۱-۱-۱- حدیث در لغت

این کلمه از ماده ی حدث و بروزن فعلیل به مفهوم «خبر جدید»<sup>۱</sup>، «هر چیز نو و تازه»<sup>۲</sup>، «وقوع و ظهور»<sup>۳</sup>، «پدیدار شدن چیزی که نبوده»<sup>۴</sup>، «مترادف کلام»<sup>۵</sup> و «ضد قدیم»<sup>۶</sup> است. همچنین، به هر چیزی از نوع کلام و خبر که نقل می شود؛ حدیث گفته می شود.<sup>۷</sup> مانند حدیث رسول خدا (ص).<sup>۸</sup>

بنابراین کلمه ی حدیث، مصادیق متعددی دارد که یکی از آنها سخن و کلام است. زیرا سخن عبارت است از پدیده ای که اجزای آن یکی پس از دیگری حادث شده و به ظهور می رسد. به این جهت خداوند از آیات قرآنی با تعبیر «ذکر مُحدث» یاد کرده و می فرماید:

«ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه و هم یلعبون»<sup>۹</sup>. یعنی: «هیچ پند تازه ای از پروردگارشان نیاید؛ مگر این که بازی کنان آن را شنیدند».

و همچنین در آیه شریفه زیر قرآن به عنوان یکی از مصادیق حدیث و در معنای کلام به کار رفته است:

«فذرنی و من یکذب بهذا الحدیث...»<sup>۱۰</sup> یعنی: «پس مرا با کسی که این گفتار را تکذیب می کند؛ واگذار...».

در جای دیگر یکی از نامهای قرآن «أحسن الحدیث»<sup>۱۱</sup> است که مقصود، بهترین سخن و کلام است.

### ۱-۱-۲- حدیث در اصطلاح

۱- مجدالدین فیروز آبادی، القاموس المحيط (مصر: المكتبة التجارية)، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲- ابن منظور (محمد بن مکرم)، لسان العرب (بیروت: دار صادر، ۱۳۷۴ق)، ج ۲، ص ۱۳۳.

۳- ابراهیم انیس و دیگران، المعجم الوسیط (مکتب النشر الثقافه، ۱۴۱۲)، ص ۱۵۹.

۴- احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغه (بیروت: دار احیاء التراث العربیه، ۱۴۲۲)، ص ۲۳۵.

۵- فخرالدین طریحی، معجم البحرین (مکتب النشر الثقافه، ۱۴۰۸)، ج ۱، ص ۴۶۹.

۶- ابن اثیر (علی بن محمد)، النهایه (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش)، ج ۱، ص ۳۳۸.

۷- ابراهیم انیس و دیگران، پیشین، ص ۱۶۰.

۸- احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر (قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴)، ص ۱۲۴.

۹- الانبیاء، آیه ۲.

۱۰- القلم، آیه ۴۳.

۱۱- الزمر، آیه ۲۳.

حدیث که در اصطلاح علم الحدیث گاه بر آن «اثر، خبر، روایت و سنت» نیز اطلاق می شود؛<sup>۱</sup> در اصطلاح عبارت است از کلامی که حاکی از قول، فعل یا تقریر معصوم (ع) است و اطلاق آن نزد ما بر چیزی که غیر از معصوم رسیده باشد؛ مجاز است.<sup>۲</sup>

برخی از علمای حدیث اهل سنت اقوال صحابه و یاتابعان را نیز در شمار حدیث یاد کرده اند. اما انگیزه ی آنان در تعمیم حدیث نسبت به مرویات صحابه این است که به دلیل معاشرت صحابه با پیامبر (ص) و آشنایی آنان با روح اسلام، عمل یا نظر آنان که برای ما نقل شده است؛ خارج از محدوده ی اسلام نیست. بعلاوه اهل سنت معمولاً صحابه را عادل می دانند و به اجتهاد جمعی آنها معتقدند. و به طور کلی اعتقاد دارند که مجتهد در رأی و نظر خویش مصیب است. بنابراین عمل مجتهدین صحابه به عنوان حکم شرعی در شمار حدیث بازگو می شود.<sup>۳</sup>

### ۱-۱-۳- اهمیت و جایگاه حدیث

سنت، بعد از قرآن، اولین مرجع و منبع معارف اسلامی است. مهمترین راهنمای مسلمین در اصول عقاید، اخلاقیات و احکام فردی و اجتماعی پس از قرآن کریم، اخبار وارده از مخازن وحی الهی است که به طور مستقل یا به عنوان تشریح آیات قرآن، ملاک عقیده و عمل مسلمین می باشد. در کتاب «الموافقات» تألیف شاطبی اینگونه آمده است که: «قرآن در جایگاه نخست و سنت در جایگاه دوم از دین قرار دارد. چرا که قرآن در اجمال و تفصیل مقطوع است؛ ولی سنت گرچه در اجمال، مقطوع است، ولی در تفصیل، مزنون می باشد. و به دلایل زیر پس از قرآن کریم قرار دارد:

- کتاب قطعی و سنت ظنی است.

- سنت یا برای بیان قرآن است یا افزوده ای بر آن دارد که در وجه اول بیان بعد از مبین قرار می گیرد. زیرا با سقوط مبین، بیان هم ساقط می گردد. بدین ترتیب سنت پس از قرآن قرار می گیرد و در وجه دوم اگر افزوده ای بر قرآن دارد؛ تنها وقتی معتبر است که در قرآن یافت نشود. در این صورت نیز قرآن مقدم است.

۱- مجید معارف، تاریخ عمومی حدیث (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۷ش)، ص ۲۳-۲۹.

۲- محمد بن حسین بهایی عاملی، الوجیزه، ترجمه مهدی مرعشی (انتشارات فیروزآبادی، ۱۴۰۷)، ص ۴.

۳- جلال الدین سیوطی، تدرب الراوی، محقق عبدالوهاب عبداللطیف (الریاض: مکتبه الریاض الحدیثه)، ج ۱، ص ۲۳.

-احادیث و اخباری که دال بر این مطلب هستند»<sup>۱</sup>.

علامه طباطبایی درباره جایگاه کلام معصومین (ع) می نویسد: «خدای سبحان بیان پیامبرش را تالی بیان کتابش قرار داد و پیامبر نیز بیان اهل بیت خود را تالی بیان خود نمود و اینگونه، حدیث پیامبر(ص) بهترین دلیل و راهنما به مقاصد قرآن و راه رسیدن به علم دین شد و همین امر باعث گردید که ائمه بزرگوار (ع) و عالمان امت به جمع، حفظ و نقل آن عنایت کنند و تألیف، تهذیب و تبویب احادیث را دنبال نمایند»<sup>۲</sup>.

برای شناخت اسلام، راهی جز رجوع به سخنان و سیره ی صحیح پیامبر خدا که مجموع آن دو، سنت آن حضرت را تشکیل می دهد؛ وجود ندارد و راه دستیابی به سنت نیز منحصر به اهل بیت (ع) و صحابه اوست و به جز این دو دستیابی به سنت رسول خدا(ص) محال است<sup>۳</sup>. علامه عسگری که مطلب فوق را در تبیین اهمیت حدیث، در شناخت اسلام بیان نموده است؛ در جای دیگر می نویسد: «آیات متعددی از قرآن و احادیث نبوی وجود دارد که امت اسلام را امر به تبعیت از رسول خدا و سنت پاکش نموده و از مخالفت با آن حضرت نهی می نماید و کسانی را که به دلیل تمسک به قرآن، سنت را زیر پا گذاشته و به آن اعتنا نمی کنند؛ شدیداً سرزنش کرده و مورد عتاب خود قرار می دهد. گذشته از اینها اساساً اسلام را تنها از خلال آیات قرآن و بدون مراجعه به سنت پیامبر نمی توان فرا گرفت. بنابراین برماست که برای اخذ اسلام و پیروی از دستورات الهی به قرآن و سنت، همراه هم، مراجعه کنیم»<sup>۴</sup>.

#### ۱-۱-۴-جامعیت و حجیت حدیث

قرآن کریم در آیات متعددی فرمان به پیروی از پیامبر اکرم (ص) و تسلیم در برابر او امر و نواهی وی را صادر نموده است. نظیر:

-«قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحبكم الله...»<sup>۵</sup>. یعنی: «بگوای پیامبر اگر خدا را دوست می دارید؛ پس

مرا پیروی کنید؛ تا خدا شما را دوست داشته باشد».

-«وما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضى الله ورسوله أمراً أن يكون لهم الخيرة من أمرهم و من يعص

۱- ابواسحاق شاطبی، المواقفات فی اصول الشریعه، شرح عبدالله ذراز (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲)، ج ۴، ص ۳.

۲- محمد حسین طباطبایی، مقدمه وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربایی شیرازی (دار احیاء التراث العربی)، ص ۲.

۳- مرتضی عسگری، یک صد و پنجاه صحابی ساختگی (تهران: نشر کوکب، ۱۳۶۱ش)، ج ۱، ص ۲۱.

۴- همان، ج ۲، ص ۲۶.

۵- آل عمران، آیه ۳۱.

الله ورسوله فقدضل ضلالاً مبيناً<sup>۱</sup>. یعنی: «هیچ زن و مرد مؤمنی را در کاری که خدا و رسولش حکم می کند؛ اختیاری نیست. و هرکس نافرمانی خدا و رسول او کند؛ براستی به گمراهی سختی افتاده است».

- «یا ایها الذین آمنوا أطيعوا الله ورسوله ...»<sup>۲</sup> یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید؛ از خدا و رسول او اطاعت کنید».

براساس این آیات حجیت کلام پیامبر اکرم (ص) به روشنی، از قرآن بدست می آید. روایت ذیل نیز همین مطلب را مورد تأکید قرار می دهد:

«ان رسول الله (ص) قال: «یوشک الرجل متکثراً علی اریکته یحدث بحديث من حدیثی فیقول بیننا و بینکم کتاب الله عزوجل فما وجدنا فیه من حلال استحللناه و ما وجدنا فیه من حرام حرمناه ألا و إن ما حرم رسول الله (ص) مثل ما حرم الله»<sup>۳</sup>. یعنی: «چه نزدیک است زمانی که مردی بر جایگاه خود تکیه زده است و حدیثی از من می شنود؛ بگوید: بین ما و شما قرآن وجود دارد و ما هر حلالی که در آن یافتیم؛ حلال می دانیم و هر حرامی که دیدیم؛ حرام می شماریم. آگاه باشید آن چه را که رسول خدا حرام کند؛ مثل آن است که خدا حرام نمود».

برخی احادیث تصریح دارند بر این که آنچه بشر تا روز قیامت بدان محتاج است؛ در قرآن و سنت پیامبر آمده است:

سماعه از موسی بن جعفر (ع) روایت کرده است که: «قلت له: أكل شيء في كتاب الله وسنه نبيه (ص) أو تقولون فيه؟ قال: بل كل شيء في كتاب الله وسنه نبيه (ص)». <sup>۴</sup> سماعه گوید: به موسی بن جعفر (ع) گفتم: «آیا هر چیزی در کتاب خدا و سنت پیامبر است یا شما در خصوص آن نظرمی دهید؟ فرمود: بلکه همه چیز در کتاب خدا و سنت پیامبرش وجود دارد».

ابهامی مطرح است که شیعه کلام اهل بیت پیامبر اکرم (ص) را به طور مستقل حجت می داند. در حالی که احادیث متعددی، این مطلب را انکار می کند و مراد از آن (گفتارنامه (ع)) مطالبی است که از پیامبر گرامی (ص) صادرگشته و به عنوان علوم و معارف الهی مطرح می باشد.

۱- الاحزاب، آیه ۳۶.

۲- الانفال، آیه ۲۰.

۳- ابن ماجه (محمد بن یزید)، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی (بیروت: دارالفکر)، ج ۱، ص ۶.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم ۱۳۸۸ق)، ج ۱، ص ۶۲.

اعتقاد شیعه بر این است که معارف دینی اعم از اصول، فروع و اخلاق که از ائمه معصومین (ع) صادر شده است؛ جملگی به عنوان سنت پیامبر می باشد و متعلق به آن حضرت است. ممکن است سؤال شود که چگونه پیامبر در مدت ۲۳ سال هر چه را بشر بدان محتاج است؛ بیان نموده است؛ درحالی که با اندکی تحقیق این ادعا صحیح نیست؟ پاسخ این است که ما به سنت رسول الله (ص) کاملاً عمل نکرده و در واقع بخشی از آن را فراگرفته و مابقی را رها نموده ایم. پیامبر اکرم (ص) تمام آنچه را که جوامع بشری نیاز دارند: اعم از اصول، فروع و اخلاق، برای خلفای معصوم خود بیان نموده و در نزد آنان به ودیعه نهاده است. در احادیث، ائمه (ع) وارثان علم پیامبر (ص) معرفی شده و صحیفه ای نزد آنها موجود است که حاوی تمامی احتیاجات بشر می باشد.<sup>۱</sup>

از آنجا که حجیت احادیث ائمه معصومین (ع) مورد تأییدی باشد. و روایات نبوی نیز برای تکمیل سنت به تنهایی کافی نیست. لذا باید برهان تداوم عصمت و سیال بودن این امر مورد دقت قرار گیرد.

## ۱-۲- گذری بر تاریخ تدوین حدیث امامیه

تاریخ تدوین حدیث امامیه را می توان به جهت حضور ائمه (ع) در قرن (۱-۳ ق) و سپس دوران محدثان متقدم (قرن ۴-۵ ق) و دوران محدثان متأخر (قرن ۶-۱۳ ق) و دوران معاصر (قرن ۱۴-۱۵ ق) به چند مرحله تقسیم کرد.

### ۱-۲-۱- اهتمام اهل بیت (ع) به حدیث

زمان حضور اهل بیت (ع) که شایسته است آن را از مهمترین دوران تاریخ حدیث شیعه شمرد؛ با عنوان «اهتمام اهل بیت (ع) به حدیث» در سه مرحله مورد تحلیل قرار می گیرد:

۱-۲-۱-۱- اهتمام اهل بیت (ع) به حدیث در قرن اول (دوران امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و امام سجاد (ع)).

در مدت حضور پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع) از گفتار و املاء آن حضرت (ص) کتابی به نام «جفر جامعه<sup>۲</sup>» نوشت که همه نیازمندی های بشر و حوادثی که واقع خواهد شد؛ در آن آمده است.

۱- همان، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۱.

۲- اسامی دیگران کتاب عبارتند از: کتاب علی (ع)؛ صحیفه لفرائض؛ صحیفه عتق (معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۱۳).

۳- یکی از مؤلفین معاصر می گوید: «خداوند به من عنایت نمود که اخبار کتاب جفر را که از سوی ائمه (ع) روایت شده است؛ جمع نموده، تبویب و ترتیب

از برخی روایات برمی آید که در کتاب جامعه کلیه احکام و تکالیف شرعی و نیز آنچه در دایره ی حلال و حرام الهی قرار دارد؛ وجود داشته است. در این باره ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت می کند که امام فرمود: «ای ابامحمد نزد ما کتاب جامعه است و مردم چه دانند که کتاب جامعه چه کتابی است؟ گفتیم: فدایتان کردم جامعه چه کتابی است؟ فرمود: مطابق فرموده پیامبر (ص) صحیفه ای به طول هفتاد ذراع که با املائی رسول خدا (ص) و برخاسته از دهان مبارک او بود؛ تهیه شد. و علی (ع) نیز با دستان خود آن را نوشت. در این کتاب حلال و حرام الهی و هر آنچه که مردم بدان نیازمندند؛ حتی در سطح دیه ی خراش وجود دارد».<sup>۱</sup>

در منابع اهل سنت نیز روایاتی وجود دارد که در آنها از صحیفه علی (ع) یاد شده است. در مسند ابن حنبل<sup>۲</sup>، اختلاف الحدیث شافعی<sup>۳</sup>، بخشهایی از صحیح بخاری «کتاب العلم، باب کتابه العلم»، «کتاب فضائل المدینه، باب حرم المدینه»، «کتاب الجهاد والسیر، باب فکاک الاسیر»، «کتاب الجزیه، باب ذمه المسلمین و جوارهم واحده»، «باب اثم من عاهد ثم غدر»، «کتاب الديات، باب العاقله» و «کتاب الاعتصام، باب مایکره من التعمق والتنازع فی العلم» و نیز در سنن ابن ماجه<sup>۴</sup> صحیفه مذکور با تغییراتی ذکر شده است. برای نمونه به روایت زیر که در صحیح بخاری نقل شده است؛ توجه فرمایید:

ابو جحیفه گفت: از علی (ع) پرسیدم: «آیا از رسول خدا (ص) چیزی غیر از قرآن نزد شما هست؟ گفت: خیر. سوگند به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید؛ به جز فهمی که خدای عزوجل در مورد قرآن عطا نمود یا آنچه در این صحیفه است. گفتیم: چه چیزی در این صحیفه است؟ گفت: عقل (مقدار دیه)، (شرایط) آزادی اسیر و این که مسلمان در مقابل قتل کافر کشته نمی شود».<sup>۵</sup>

در ارتباط با این روایات چند نکته قابل توجه است:

— علی رغم اختلافی که در لفظ و معنای این روایات وجود دارد؛ این نکته ملاحظه می شود که صحیفه ی مذکور سندی مجزا از قرآن می باشد و از جانب رسول خدا (ص) در اختیار علی (ع) قرار گرفت.

د.م. «ابطحی، تهذیب المقال، ج ۳، ص ۲۳۵».

۱- کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲- ابن حنبل، مسند احمد (بیروت: دار صادر)، ج ۱، صص ۷۹، ۸۱، ۱۰۰، ۱۱۹، ۱۲۶.

۳- محمد بن ادریس شافعی، اختلاف الحدیث، ص ۵۶۵.

۴- ابن ماجه، پیشین، ج ۲، ص ۸۸۷.

۵- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری (بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱)، ج ۱، ص ۱۱۸.

- گروهی از بزرگان و فقهای اهل سنت از جمله عمر بن عبدالعزیز، أوزاعی، سفیان ثوری، مالک بن انس و اسحاق بن راهویه به این حدیث تمسک نموده و آن را دلیل بر عدم جواز قتل مسلمان به سبب قتل کافر می دانند.<sup>۱</sup>

- گرچه متن این روایات نشان می دهد که دیگر اصحاب رسول الله (ص) از وجود این سند بی اطلاع بوده اند. اما از مقایسه روایت فوق بامتن عهد نامه رسول الله (ص) که ابن هشام در سیره خود<sup>۲</sup> می آورد؛ معلوم می شود که محتوای صحیفه مزبور اختصاص به علی (ع) ندارد؛ بلکه از جهاتی در اختیار دیگران هم بوده است. در این صورت تأکید این منابع در اختصاصی بودن صحیفه مزبور نسبت به علی (ع) چه معنایی می تواند داشته باشد؟

به نظرمی رسد منابع روایی اهل سنت در صدند تا به نحوی منکر میراث امامت گردند. زیرا این روایات از علی (ع) نقل می کنند که ما از رسول الله (ص) دفتری به ارث نبرده ایم؛ جز همین صحیفه که مشتمل بر سه حکم الهی است و در قائمه شمشیر رسول خدا (ص) یا شمشیر علی (ع) جای دارد. حال آنکه بنابر روایات شیعه کتاب جامعه شامل همه ی احکام و نیاز های فقهی به طول هفتاد ذراع بود.<sup>۳</sup>

علاوه بر علی (ع) تاریخ زندگی حضرت فاطمه (س) نشان می دهد که ایشان نیز به تدوین حدیث اهتمام می ورزید و هنگام نیاز، آن را از روی نوشته ارائه می نمود.

فردی خدمت آن حضرت رسید و از او تقاضا نمود حدیثی از رسول اکرم (ص) برای وی نقل کند. دختر گرامی پیامبر (ص) از صحیفه ای که در اختیار ایشان بود؛ چنین خواند:

قال محمد النبی (ص): «لیس من المؤمنین من لم یأمن جاره بوائقه. و من کان یؤمن بالله والیوم الآخر؛ فلا یؤدی جاره. و من کان یؤمن بالله والیوم الآخر؛ فلیقل خیراً أوفیسکت. ان الله تعالی یحب الخیر الحلیم المتعفف ویبغض الفاحش الضنین السئال المحلف. ان الحیاء من الایمان و الایمان فی الجنة و ان الفحش من البذاء و البذاء فی النار.»<sup>۴</sup> «از اهل ایمان نیست آن کس که همسایه اش از شر او در امان نباشد. کسی که ایمان به خدا و روز جزا دارد؛ همسایه اش را اذیت نمی کند. او باید به نیکی سخن گوید و یا ساکت بماند. قطعاً خداوند، فرد نیکوکار، حلیم و عفیف را دوست می دارد. و دشمن فرد بد اخلاق، بنخیل و

۱- مجید معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه (تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴)، ص ۴۸.

۲- ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید (مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق)، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳- مجید معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۴۸-۵۱.

۴- محمد ابن جریر طبری، دلائل الامامه (قم: مؤسسه بعثه، ۱۴۱۳)، ص ۶۶.

سائل مصر می باشد. همانا حیاء از ایمان است. و اهل ایمان در بهشت هستند. و به درستی که فحش از بدزبانی است و بدزبانی در آتش قرار دارد».

این امر نشان می دهد که حضرت فاطمه (س) برخلاف کسانی که با نقل و تدوین حدیث مخالفت می کردند؛ در حفظ، نقل و تدوین آن عنایت خاص داشت. و برای ایشان از مصحفی یاد می شود که در آن بسیاری از احکام الهی و حوادث آینده جهان اسلام مندرج بود و همواره پیش ائمه (ع) به عنوان یک مرجع و سند ارزشمند مورد استفاده قرار می گرفت.<sup>۱</sup>

در طبقه اول تابعین روایت زیادی هستند که جزء شیعیان بوده و در نقل و تدوین حدیث اهتمام نمودند. از آن جمله:

- اصبح بن نباته (م ۴۰ هجری). او فرمان علی بن ابی طالب (ع) به مالک اشتر و وصیت آن حضرت به محمد حنفیه را ضبط و روایت نمود.<sup>۲</sup>

- عبیدالله و علی پسران ابورافع. به ترتیب کتابهای «قضایا امیرالمؤمنین» و «فنون الفقه»<sup>۳</sup> را نوشتند.  
- حارث بن عبدالله أعورهمدانی.<sup>۴</sup>

- ربیع بن سمیع. او دارای کتابی در «زکاه النعم» است.<sup>۵</sup>

### سرگذشت حدیث در دوران حضرت سجاد (ع)

دوران امامت امام چهارم (۶۱-۹۴) ۳۵ سال طول کشید و تحولات زیادی را در پی داشت. بنی امیه به خاطر نفرتی که جامعه اسلامی از آنها به سبب شهادت امام حسین (ع) و یارانش پیدا نمود؛ در شرایط آن حضرت و یارانش گشایشی ایجاد نمود. لذا امام (ع) و اصحابش توانستند در تعلیم و تدوین حدیث بکوشند و آثار ارزشمندی از خود به جا بگذارند.

از حضرت امام زین العابدین (ع) صحیفه سجادیه و رساله حقوق به یادگار مانده است.

در مورد وضعیت انتساب دعاها صحیفه به امام چهارم (ع) باید گفت: شیخ مفید صدور ادعیه و مواعظ

۱- کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۲.

۲- احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق، ۱۴۱۶ ق)، ص ۶.

۳- همان، ص ۶. محمد بن علی اردبیلی، جامع الرواه (قم: مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳)، ج ۱، ص ۵۲۷.

۴- محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، تحقیق جواد قمی (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق)، ص ۳۸.

۵- نجاشی، پیشین، ص ۷.



فراوانی را از امام چهارم (ع) مورد تصریح قرار می دهد.<sup>۱</sup> صحیفه سجاده دارای ۴ روایت به شرح ذیل است:<sup>۲</sup>

-محمد بن احمد بن مسلم بن مطهر عن ابیه عن عمیر بن متوکل عن متوکل بن هارون عن یحیی بن زید عن صادق (ع).

-ابن مالک عن احمد بن عبدالله عن محمد بن صالح عن عمیر بن متوکل عن متوکل بن هارون عن یحیی بن زید عن صادق (ع).

-حسین بن شکیب عن عمیر بن متوکل عن متوکل بن هارون عن یحیی بن زید عن صادق (ع).

- علی بن نعمان عن عمیر بن متوکل عن متوکل بن هارون عن یحیی بن زید عن صادق (ع).<sup>۳</sup>

از صحابه افرادی نظیر جابر بن عبدالله انصاری و ابوالطفیل عامر بن واثله و از تابعین افرادی همچون سعید بن جبیر، ابو خالد کابلی، سلمه بن دینار، یحیی بن طویل، ابو حمزه ثمالی، علی بن رافع، سدی، ضحاک، طاوس و... از محضر آن حضرت استفاده و نقل حدیث نمودند.<sup>۴</sup>

۱-۲-۱-۲-۱-۲-اهتمام اهل بیت (ع) به حدیث در قرن دوم (دوران امام باقر (ع)، امام

صادق (ع) و امام کاظم (ع)).

پس از دوران امام سجاد اوضاع و شرایط برای نشر حدیث مساعدتر شد. زیرا بنی امیه تضعیف گشتند و با بنی عباس به ستیز برخاستند. همین مدت نیز فرصت خوبی برای حضرت باقر (ع) و فرزندش، حضرت صادق (ع) بود که اقدام به انتشار حدیث کنند. نه تنها حدیث بلکه تفسیر، فقه، اصول فقه، کلام و... در آن عصر توسعه یافت و زمینه برای انتشار معارف اسلامی کاملاً مساعد شد.

در طول نوزده سال امامت حضرت باقر (ع) از سال ۹۵ تا ۱۱۴ هجری افرادی به جمع حدیث مبادرت نمودند. معروفترین آنان عبارتند از:

جابر بن یزید جعفی.

۱- شیخ مفید، ارشاد، تحقیق مؤسسه آل‌النبیت (ع) للتحقیق التراث (دارالمفید)، ج ۲، ص ۱۵۴.

۲- معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۲۲.

۳- حسینی جلالی، درسه حول الصحیفه السجاده (بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۱ق)، ص ۱۸-۲۱.

۴- حسن صدر، تأسیس الشیعه (منشورات اعلمی)، ص ۲۸۱-۲۸۲.

ابان بن تغلب، شیخ طوسی در فهرست می گوید: «او دارای کتاب است».<sup>۱</sup>

سلام بن ابی عمره خراسانی، نجاشی می گوید: «برای او کتابی است که عبدالله بن جبلة از آن روایت کرده است».<sup>۲</sup>

در زمان امام صادق (ع) (۸۳-۱۴۸ هجری) به سبب فرصتی که برای آن حضرت پیش آمد؛ نقل و تدوین حدیث به اوج عظمت خود رسید. در این دوره بر اثر جنگ قدرت بین بنی امیه و بنی عباس موقعیت مناسبی پیش آمد که امام (ع) توانست حداکثر بهره را از این فرصت ببرد و مجالسی با بیش از چهار هزار طالب حدیث<sup>۳</sup> برپا سازد.

به دنبال تشویق و تأکید آن حضرت درباره ی نقل، حفظ و کتابت حدیث، کتابهای زیادی تألیف و تدوین گردید. از این کتابها آنچه که فقط درباره ی احکام و مسایل مختلف دینی نوشته شد؛ تعداد ۴۰۰ کتاب می باشد که به وسیله چهار صد نفر از شاگردان حضرت صادق (ع) جمع آوری شد که آنها را اصول اربع مائه می گویند.<sup>۴</sup>

شیخ بهایی در کتاب مشرق الشمسین می گوید: «از علائم صحت روایت در نزد قدماء وجود حدیث در شماری از اصول مشهور اربعمائه یا درج مکرر آن در یک یا دو اصل از آنها با طرق و سندهای مختلف یا حداقل وجود آن در یکی از اصول متعلق به اصحاب اجماع بوده است».<sup>۵</sup>

دوران زندگی امام هفتم (ع) را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

بخش اول: دوره ای است که آن حضرت در مدینه زندگی می کرد. یعنی از سال ۱۲۸ هجری در زمان

خلافت منصور عباسی تا ۲۰ شوال سال ۱۵۹ در زمان خلافت مهدی.

---

۱- ابو جعفر محمد بن الحسن طوسی، الفهرست، تحقیق جواد قیومی (قم: منشورات رضی، چاپ اول ۱۴۱۷)، ص ۵۷.

۲- نجاشی، پیشین، ص ۱۸۹.

۳- تعدادی از اصحاب آن حضرت عبارتند از: ابان بن عثمان، جمیل بن دراج، عبدالله بن مسکان، عبد الله بن بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان، محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال (مشهد: دانشکده الهیات، ۱۳۴۸ ش)، ص ۲۰۶.

۴- (شهید اول) محمد مکی عاملی، ذکری الشیعه فی احکام الشریعه (چاپ سنگی، ۱۲۷۲ ق)، ص ۶.

۵- چون نسبت به صحت مرویات چند تن از مشایخ حدیث امامیه اجمالا ادعای اجماع شده است؛ نامبردگان به اصحاب اجماع معروف شده- اند. افراد مزبور ۱۸ نفر هستند و در سه طبقه قرار دارند: الف- شش نفر از اصحاب حضرت باقر و صادق (ع) ب- شش نفر از اصحاب حضرت صادق (ع) ج- شش نفر از اصحاب حضرت موسی بن جعفر و رضا (ع). اصل مطلب درباره اصحاب اجماع از دعوی کشی است که در قرن چهارم هجری زندگی می کرده است. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹.

۶- محمد بن حسین بهایی عاملی، مشرق الشمسین (قم: مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۸)، ص ۲۶۹.



## حسن بن محبوب<sup>۱</sup>

در نیمه اول قرن سوم هجری، در دوران کوتاه امامت حضرت جواد (۲۰۳-۲۲۰ هجری) احادیث بسیاری از آن وجود مقدس صادر شد که قسمت مختصری از آن نقل شده و یا به صورت کتاب درآمد است. از اصحاب و روات آن امام (ع) که از ایشان کسب علم و معرفت نموده و سخنان آن بزرگوار را به رشته تحریر درآوردند؛ می توان به افراد ذیل اشاره نمود:

## فضل بن شاذان<sup>۲</sup>

## حسین بن سعید اهوازی<sup>۳</sup>

حضرت هادی (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارش (۲۲۰ هجری) در سن شش یا هفت سالگی به مقام امامت نائل گشت. دوران عمر آن امام (ع) با خلافت مأمون، معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز همراه بود.

هنگامی که حضرت در مدینه بودند؛ مورد احترام شیعیان قرار داشتند و به نشر احکام و احادیث می پرداختند.

دو تن از کسانی که در دوره امامت آن حضرت منشأ خدمات ارزنده و جمع آوری احادیث و اخبار گشتند و کتبی از خود به یادگار گذاردند؛ به شرح ذیل می باشد:

- احمد بن اسحاق قمی. نجاشی می نویسد: «احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری از خواص حضرت هادی بود و از میان کتابهای احمد بن اسحاق کتاب «علل صوم» او را دیدم که بزرگ بود»<sup>۴</sup>.

- عبدالعظیم بن عبدالله حسنی. نجاشی می گوید: «حضرت عبدالعظیم کتابی دارد به نام خطب امیر المؤمنین (ع)»<sup>۵</sup>.

امام حسن عسکری (ع) روز هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۳۲ هجری به دنیا آمد. و در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسید. چون دوران امامت آن حضرت کوتاه بود و اغلب اوقات نیز در زندان به سر می بردند؛ علاقه مندان به احادیث اهل بیت کمتر توانستند به ایشان دسترسی پیدا کنند و آثار امامت را از آن وجود

۱- طوسی، الفهرست، ص ۹۶.

۲- حسن بن یوسف حلی، خلاصه الاقوال، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم (نجف: المطبعة الحیدریه، چاپ دوم ۱۳۸۱ق)، ص ۲۲۹.

۳- طوسی، الفهرست، ص ۱۱۲.

۴- همان، ص ۷۰.

۵- نجاشی، پیشین، ص ۲۴۷.

مقدس ثبت نمایندند. به دنبال رحلت آن امام (ع) مسئله غیبت فرزند دلبندهش (ع) پیش آمد که موجب شد تقریباً رابطه استماع حدیث از شخص معصوم (ع) قطع گردد. و از این راه بزرگترین ضربه بر پیکره وفهم حدیث وارد شود.

در آن مقطع کوتاه برخی از اصحاب و راویان امام یازدهم (ع) از آن وجود کسب علم و معرفت نمودند و کتابهایی نیز تألیف نمودند. دو تن از شاگردان آن امام عبارتند از:

سعد بن عبدالله اشعری<sup>۱</sup>

عبدالله بن جعفر حمیری<sup>۲</sup>.

حضرت مهدی (ع) بنا بر رأی مشهور در سال ۲۵۵ هجری در شهر سامره متولد شد و در سال ۲۶۰ هجری که پدر بزرگوارش به شهادت رسید؛ به فرمان خداوند از دیدگان مردم غائب گشت. لذا دوستان و دوستانان حضرت به سختی می توانستند به خدمت ایشان برسند و روایاتی از ایشان اخذ نموده و به رشته تحریر درآورند.

از آثار منسوب به امام مهدی (ع) می توان به کتاب «تکلیف» اشاره کرد. این کتاب توسط محمد بن شلمغانی، معروف به «ابن ابی عزاقر» نوشته شد. وی آن را از توقیعات امام (ع) که توسط حسین بن روح به دستش رسید؛ در دوران استقامتش در پیروی از حضرت مهدی (ع) تهیه کرد. حسین بن روح آن کتاب را دید و تأیید کرد.<sup>۳</sup>

### ۱-۲-۲- دوران محدثان متقدم (قرن ۴-۵ ق)

چنان که گفتیم؛ اصحاب ائمه (ع) تا دوران امام حسن عسکری (ع) کوشیدند تا میراث روایی اهل بیت (ع) را در قالب اصول روایی ثبت و ضبط کنند. گرچه شماری از محدثان نظیر یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸)، احمد بن محمد بن زنی (م ۲۲۱)، ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی (م ۲۳۸)، حمید بن زیاد دهقان (م ۳۱۰)، محمد بن حسن بن ولید برقی (م ۳۴۳)، حسن بن حمزه طبری (م ۳۵۸) و... به جامع نویسی و تنظیم بخش هایی از این اصول روی آوردند؛ اما شاید بخاطر دسترسی نداشتن به تمام اصول روایی و نیز توجه آنان به بخشی خاصی از روایات نظیر احکام کاری در خور و جامع ارائه نگردید.

از سوی دیگر نیاز پیوسته ی عالمان دینی به میراث روایی مدون و وجود اختلاف در نگرش های فقهی

۱- علامه حلی، پیشین، ص ۱۵۶.

۲- نجاشی، پیشین، ص ۲۱۹.

۳- همان، ص ۳۷۸.

و کلامی، تبویب، تنظیم و تصحیح احادیث و تدوین کتب جامع حدیثی شیعه را بیش از هر زمان دیگر ضروری می ساخت.<sup>۱</sup>

به همین سبب بزرگانی چون کلینی (م ۳۲۹)، صدوق (م ۳۸۱) و شیخ طوسی (م ۴۶۰) اقدام به تدوین جوامع روایی نمودند و کتابهای «الکافی»، «من لایحضره الفقیه»، «تهذیب و استبصار» را نوشتند. البته کتب حدیثی دیگری نظیر عیون اخبار الرضا، الخصال، الامالی از شیخ صدوق و الغیبه از شیخ طوسی تدوین شد؛ اما به سبب برخورداری «الکافی»، «من لایحضره الفقیه»، «استبصار و تهذیب» از جامعیت، اتقان سند و متن روایات، مورد توجه علمای شیعه قرار گرفتند.

محدثان متقدم به علت اهتمام به سند روایت، تلاش دیگری را سامان دادند که شکل گیری «رجال الحدیث» بود. این حرکت گام گراندردی در شناخت راویان و به تبع آن در شناخت احادیث شمرده می شد. مهم ترین کتب رجالی که شامل رجال برقی، رجال کشی، رجال نجاشی، فهرست و رجال طوسی است؛ در دوران متقدمان شکل گرفت. آیت الله خویی می نویسد: «گرچه شناخت راویان از قرن دوم آغاز شده بود؛ با توجه به توثیق و جرح برخی راویان از طرف ائمه (ع)، متقدمان، علم «رجال الحدیث» و کتب مربوط به آن را سامان دادند.<sup>۲</sup>»

از سوی دیگر کلینی و صدوق گرچه کتاب رجالی مستقلی به آنها نسبت نمی دهند؛ اما برای شناخت سندها ناگزیر بودند که ضمن آگاهی از راویان حدیث بر مبنای رجالی خود نیز تکیه کنند.

### ۱-۲-۳- حوزه های حدیثی شیعه

برای نگهداری میراث شیعه از قرن دوم حوزه های حدیثی شیعه فعال گشتند و راویان فراوانی برای حفظ و نقل روایات از ائمه معصوم (ع) به نسلهای بعدی کوشیدند.<sup>۳</sup> حوزه های حدیثی در هر شهری که شیعیان حضور داشتند؛ شکل می گرفت و گروهی روایات را در قلمرو فقه، کلام و تفسیر نقل و تدریس می کردند. چون اغلب شیعیان در کوفه و قم حضور بیشتری داشتند؛ این دو شهر مرکزیت بیشتری در نشر و تدریس روایات شیعه داشت.<sup>۴</sup>

۱- کلینی، همان، ج ۱، ص ۸، صدوق، پیشین، ج ۱، ص ۲.

۲- ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث (نجف: مطبعه الاداب، ۱۳۹۰)، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳- معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۳۲۱.

۴- عبدالله بن محمد مامقانی، دراسات فی علم الدرایه، تحقیق علی اکبر غفاری (تهران: جامعه الامام الصادق (ع)، ۱۳۶۹ش)، ص ۲۳۸.

دوران متقدم به ویژه قرن پنجم را می توان اوج رشد و شکوفایی مراکز حدیثی دانست که سرآمد آنها حوزه های کوفه، بصره، قم، ری و بغداد است و بیشتر محدثان بزرگ همچون کلینی، صدوق، طوسی و... در آنها به تدریس می پرداختند. حوزه نجف هم پس از دیگر حوزه ها و از پایان دوره ی حیات شیخ طوسی شکل گرفت. شیخ آقا بزرگ می گوید: «ولما رای الشیخ الخطر محذقا به؛ هاجر بنفسه الی النجف الاشرف لائذا بجوار مولانا امیر المؤمنین (ع) و صیرها مرکزاً للعلم و جامعه کبری للشیعه الامامیه... و اخذت تشدیها للرجال و تعلق بها الامال و اصبحت مهبط رجال العلم... تلک هی جامعه النجف العظمی الی شید شیخ الطائفه رکنها الاساسی و وضع حجرها الاول و قد تخرج منها خلال هذه القرون المتطاووله آلاف مولفه من اساطین الدین و اعظم الفقهاء و کبار الفلاسفه و نوابغ المتکلمین و افاضل المفسرین». یعنی... شیخ طوسی رکن اساسی دانشگاه بزرگ نجف را محکم نمود و سنگ اولیه آن را بنا گذاشت. و در طی قرنهای متمادی هزاران تن از اساطین دین، فقهای بزرگ، بزرگان فلسفه، متکلمان نابغه و مفسرین فاضل از آن مرکز فارغ التحصیل گشتند<sup>۱</sup>.

### ۱-۳- گذری بر تاریخ تدوین حدیث اهل سنت

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) عده ای از اصحاب آن حضرت از جمله ابوبکر با طرح انگیزه هایی چون جلوگیری از وقوع اختلاف بین مسلمانان، ترس از نسبت دادن خلاف به پیامبر (ص)<sup>۲</sup>، رویگردانی مسلمانان از قرآن بر اثر اشتغال به حدیث<sup>۳</sup> و اعلام کافی بودن قرآن در هدایت مسلمانان<sup>۴</sup>، با نوشتن حدیث مخالفت نمودند<sup>۵</sup>. و نه تنها از نوشتن حدیث بلکه گاهی از نقل شفاهی آن نیز جلوگیری به عمل می آوردند. لذا عده ای از روایت نتوانستند احادیثی را که در زمان رسول اکرم (ص) و از زبان آن بزرگوار شنیده بودند؛ نقل و یا تدوین نمایند. البته عده ای نیز تسلیم این سیاست نشدند و به صورت علنی یا پنهانی به نقل حدیث ادامه دادند. گرچه در این راه با مشکلاتی هم روبه رو شدند<sup>۶</sup>.

۱- محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن (بیروت: دار احیاء التراث العربی)، مقدمه.

۲- برای مطالعه بیشتر در ارتباط با دوران محدثان متقدم به کتاب «پژوهشی در تاریخ حدیث شیهه» تألیف مجید معارف و مطالعه عصر محدثین متأخر و معاصره کتاب «تاریخ حدیث» تألیف رضا مؤدب مراجعه گردد.

۳- محمد بن احمد ذهبی، تذکره الحفاظ (مکه: مکتبه الحرم المکی)، ج ۱، ص ۳.

۴- همان، ص ۶.

۵- بخاری، پیشین، ج ۱، ص ۳۷.

۶- صبحی صالح، علوم الحدیث و مصطلحه (تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ش)، ص ۳۲.

۷- معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۸۱.

ابوبکر پس از وفات رسول اکرم (ص) مردم را جمع نمود و گفت: «شما از پیامبر اکرم (ص) احادیثی نقل می کنید و گاهی در میان شما اختلاف پدید می آید. روی این اصل بعد از این از رسول اکرم (ص) حدیثی نقل نکنید و اگر کسی از شما مطلبی سؤال نمود؛ بگویید که میان ما و شما همین قرآن کافی است. حلال آن را حلال و حرامش را حرام بدانید»<sup>۱</sup>.

در این رابطه ذهبی روایت دیگری به شرح ذیل بیان می کند: عایشه نقل می کند: «پدرم پانصد حدیث از احادیث پیامبر (ص) را در کتابی گرد آورده بود. شبی از شبها متوجه شدم که وی آرام و قرار ندارد و از این پهلو به آن پهلو می غلطد. به طوری که مرا نگران ساخت. گفتم: آیا ناراحت هستی یا خبر بدی به شما رسیده که چنین منقلب شده ای؟ (او چیزی نگفت؛ اما) چون صبح شد؛ گفتم: دخترم احادیثی را که در نزد تو می باشد؛ بیاور. آن احادیث را آوردم. آن گاه آتشی طلپید و آنها را سوزاند. سؤال کردم چرا آنها را سوزاندی؟ در پاسخ گفت: ترسیدم بمیرم و این نوشته ها از من برجای بماند. و در میان آنها احادیثی باشد که اصلی نداشته باشد و من بر اساس اطمینان به راوی، آن را از او نقل کرده باشم. حال آن که حدیث آن طور که وی نقل کرده است؛ نباشد»<sup>۲</sup>.

ناگفته پیداست که این عمل و روش خلیفه که با گفتارش نقل حدیث را ممنوع اعلان نمود؛ چه عکس العملی در بین مسلمانان، حفاظ و ناقلین حدیث باقی گذاشت. و نتیجه چنین شد که در مدت تقریباً سه سال دوران خلافت ابوبکر، نقل و کتابت حدیث کنار گذاشته شد. و توجه مسلمانان تنها به قرآن بدون تفسیر و توضیح معطوف گردید.

در دوران خلافت ۱۲ ساله عمر بن خطاب نقل و کتابت حدیث به مقتضای روش سختگیرانه خلیفه ممنوعیت بیشتری پیدا نمود.

خلیفه ی دوم نه تنها از نقل و نگارش حدیث إبا و امتناع می نمود؛ بلکه به اصحاب رسول خدا سخت گیری های عجیب و بهانه گیری های نابجایی می کرد. وقتی ابوموسی اشعری درباره ی استیذان از صاحب خانه حدیثی نقل نمود؛ عمر گفت: «اگر برای این حدیث شاهد نیآوری؛ تو راسخت تنبیه می نمایم. و گاهی

۱- ذهبی، پیشین، ج ۱، ص ۳.

۲- همان، ج ۱، ص ۵.



این سخت گیریها مورد اعتراض واقع می گردید»<sup>۱</sup>.

عمر سه نفر از محدثین معروف «ابن مسعود، ابودرداء و ابومسعود انصاری» را به جرم نقل حدیث در مدینه تحت نظر قرار داد و تا کشته شدنش، این سه تن به صورت حبس - اقامت در مدینه - زندگی می کردند.<sup>۲</sup>

سیوطی می گوید: «عمر بن خطاب تصمیم گرفت که احادیث را تدوین کند و در این مورد با اصحاب رسول خدا (ص) مشورت نمود. همه ی آنان نظر موافق خود را اعلام کردند. عمر یک ماه در حال تردید به سر می برد. و پس از یک ماه گفت: من درباره ی نوشتن احادیث پیشقدم بودم و خودم این موضوع را پیشنهاد نمودم. ولی بعد متوجه شدم که یک عده از اهل کتاب پیش از شما با وجود کتاب خدا، کتب دیگری را تدوین کردند و به آنها اشتیاق پیدا نمودند. لذا کتاب خدا را ترک نمودند. روی این اصل نمی توانم چیزهای دیگر را با کتاب خدا مخلوط کنم. بدین ترتیب عمر از فکر و تصمیم خود منصرف گردید و کتابت و تدوین حدیث را ترک نمود»<sup>۳</sup>.

دردوران خلافت ده ساله عثمان جلوگیری از نشر احادیث ادامه یافت و او نیز خود را پایبند سیاست نهی از توجه مسلمانان به حدیث و تشویق آنان به قرآن می دانست. البته منع دردوره او از شدت کمتری برخوردار بود. عثمان علناً نقل احادیث را به استثنای احادیثی که خودش در زمان ابوبکر و عمر شنیده بود؛ ممنوع اعلام نمود. به این صورت که: «لایحل لأحد یروی حدیثاً لم یسمع به فی عهد أبی بکر ولا عهد عمر»<sup>۴</sup>.

سرگذشت حدیث بعد از رسول اکرم (ص) بدین منوال بود که بیان گردید و در دوران خلفای اموی که سرگرم عیاشیها و خوشگذرانیها بودند؛ موضوع حدیث در بوته ی فراموشی قرار گرفت. و از این رو از اسلام به جز اسمی و از قرآن غیر از رسمی در میانشان باقی نماند. علماء و محدثین هم از طرفی تحت تأثیر محیط قرار گرفته و یکسره فکر کتابت و تدوین حدیث را از مغز خود بیرون رانده و خط قرمز و بطلان به دور این مطلب کشیدند.

آنچه مسلم است جمع حدیث رسماً از قرن دوم هجری شروع شده است. ابتدا عمر بن عبدالعزیز به فکر

۱- بخاری، پیشین، ج ۷، ص ۱۳۱.

۲- ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷.

۳- سیوطی، پیشین، ج ۲، ص ۶۷.

۴- علی متقی هندی، کنز العمال (بیروت: مؤسسه الرساله)، ج ۱۰، ص ۲۹۵. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری (بیروت: دار صادر)، ج ۲، ص ۳۳۶.

جمع حدیث افتاد. به ابوبکر بن محمد حزم نوشت: «انظر ما كان من حدیث رسول الله (ص) أوسسته فاكته. فإني خفت دروس العلم و ذهاب العلماء». «بنگر آنچه را از حدیث رسول الله (ص) یاسنت او هست؛ بنویس. زیرا بیم آن دارم که دانش حدیث نابود شود و محدثان از دنیا بروند».<sup>۱</sup>

ابوبکر بن محمد بن عمرو بن حزم انصاری قاضی و والی مدینه در زمان سلیمان بن عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز بود و چون خلافت عمر بن عبدالعزیز از سال ۹۹ تا ۱۰۱ هجری است؛ قهراً ضبط احادیث در آغاز قرن دوم هجری خواهد بود.

برخی از محققین دیگر معتقدند: اولین کسی که به دستور عمر بن عبدالعزیز به جمع احادیث پرداخت؛ ابن شهاب زهری (محمد بن مسلم) عالم حجاز و شام بود.<sup>۲</sup>

دکتر عجاج خطیب در توجیه انگیزه صدور فرمان کتابت حدیث می نویسد: «چه بسا نشاط علمی موجود در بین تابعان و تمایل آنان به کتابت حدیث در آن دوره بود که موجب صدور فرمان کتابت از سوی عمر بن عبدالعزیز گردید».<sup>۳</sup>

ابوزهو نیز معتقد است که پس از گسترده شدن فتوحات اسلامی و از دنیا رفتن بسیاری از صحابه و نیز اختلاط اعراب با سایر ملل، ملکه حفظ در بین اعراب ضعیف شد و در نتیجه ضبط روایات کاهش یافت. در اینجا بود که نیاز به کتابت و تدوین روایات احساس شد و عمر بن عبدالعزیز فرمان کتابت حدیث را صادر نمود.<sup>۴</sup> اما در نقد این توجیها همین بس که محمد بن شهاب زهری گفته است: «ما (محدثان) همواره از کتابت حدیث خودداری می کردیم تا آن که خلفاء ما در این زمینه مجبور کردند و در این شرایط بود که صلاح دیدیم؛ احدی از مسلمانان را از نگارش حدیث منع نکنیم».<sup>۵</sup>

بالاخره با فرمان تاریخی خلیفه که طلسم ممنوعیت تدوین حدیث شکسته شد؛ از قرن دوم در گوشه و کنار کشور پهناور اسلامی جمعی دیگر از پیشوایان حدیث به جمع و تدوین آن پرداختند:

ابن جریر عبدالملک بن عبدالعزیز (م ۱۴۹ یا ۱۵۰ هجری) در مکه.

۱- ابن حجر عسقلانی، تقریب التهذیب (بیروت: دارالمکتبه العلمیه)، ج ۲، ص ۳۹۹.

۲- صبحی صالح، پیشین، ص ۳۸.

۳- معارف، پیشین، ص ۱۱۳. به نقل از «السنه قبل التدوین»، ص ۳۲۸.

۴- معارف، همان. به نقل از «الحدیث والمحدثون»، ص ۱۲۷.

۵- معارف، همان. به نقل از «جامع بیان العلم وفضله»، ج ۱، ص ۷۷.

سعید بن ابی عروبہ (م ۱۵۶ هجری) در بصرہ.

لیث بن سعد (م ۱۷۵) در مصر.

مالک بن انس (م ۱۶۹ یا ۱۷۹ هجری) در مدینہ.

عبدالله بن مبارک (م ۱۸۱) در خراسان.

ابوبکر بن عیاش (م ۱۹۳) در کوفہ<sup>۱</sup>.

محمود ابوریہ درباره ادوار تدوین حدیث در اهل سنت سخن جامعی دارد که قابل توجه است. وی می نویسد: «احادیث پیامبر (ص) در حیات آن حضرت و نیز دوره صحابه و تابعین تدوین نگشت؛ گرچه نگارش هایی به طور متفرق و پراکنده صورت گرفت و عده ای نیز در حیات پیامبر (ص) و نیز در قرن اول مجموعه هایی در حدیث به وجود آوردند. و اساساً تدوین حدیث به شکل رسمی جز در قرن دوم آن هم در اواخر دوران بنی امیه مورد توجه قرار نگرفت. در عین حال پس از شروع تدوین، روش واحدی در بین محدثان معمول نگشت؛ بلکه حرکت تدوین از آغاز تا نقطه پایان از مراحل عبور نمود. وی چهار مرحله را ذکر می کند که مراحل سوم و چهارم آن به شرح ذیل است:

مرحله سوم: در این مرحله دانشمندان به جدا کردن اقوال صحابه و تابعین از احادیث پرداختند و آنها را در تألیفات جداگانه تنظیم نمودند. در این دوره مسانید متعددی تألیف گردید. در این مسانید مؤلف روایات هر یک از صحابه را، در هر موضوعی که بود؛ در یک باب می آورد. بدون آن که نسبت به درجه صحت حدیث نظر خاصی در بین باشد. برخی از مسانید عبارتند از:

مسند ابن راهویه (م ۲۳۸ هجری).

مسند ابی بکر و مسند عثمان (م ۲۳۹) ابی محمد بن ابی شیبہ<sup>۲</sup>

مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ هجری).

مرحله چهارم، مرحله گزینش و تنقیح اخبار است. در این مرحله محدثان به تألیف کتب مختصری روی آوردند که در آنها روایاتی را که طبق ملاکهای خود صحیح می دانستند؛ جمع آوری کردند. بخاری، مسلم و پیروان این دواز این دسته اند. این مرحله از مراحل پایانی تدوین حدیث در بین معتقدان اهل سنت

۱- صبحی صالح، پیشین، ص ۴۱.

۲- محمد بن جعفر کتانی، *الرساله المستطرفه*، تحقیق محمد منتصر محمد زمزمی کتانی (بیروت: دار البشائر الاسلامیه، چاپ چهارم ۱۴۰۶هـ)، ج ۱، ص ۷.

به شمار می رود. زیرا در این دوره که مصادف با نیمه دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم است؛ کتب معتمداهل سنت تألیف گردید.<sup>۱</sup>